

# کمیته‌های مردمی مصر

از لحظه‌های جنون تا معضلات ان‌جی‌اوها

آسیه المیخی

ترجمه: هسته‌ی درنگ-برلین



## کمپته‌های درختی مصر از لحظه‌های جنون تا مضامین جی‌او‌ها

آسیه المیچی

ترجمه: هسته‌ی درنگ-برلین

مناپون

در جریان قیام ۱۸ روزه در سال ۲۰۱۱، در حالی که دولت زندان‌ها را از هزاران محکوم خالی کرده بود، پلیس از خیابان‌های قاهره و دیگر شهرهای مصر ناپدید شد. با افزایش گزارش‌های خشونت جنایی، برای پر کردن خلأ امنیتی، بریگادهای نگهبان محله به وجود آمدند که معمولاً توسط مردان جوان رهبری می‌شدند. این «کمیته‌های مردمی» بنا به ضرورت دفاع از جامعه، رو در رو یا از طریق فیس‌بوک، به سرعت خود را سازماندهی کردند و به فراتر از مراکز شهری گسترش یافتند. به قول یکی از بنیان‌گذاران کمیته‌ها: «کمیته‌ها همه‌جا، در روستاها و شهرها به وجود آمدند. آنها به نبض تپنده‌ی جامعه‌ی مصر تبدیل شدند - ریشه‌دار در محلات و منعطف در سازمان‌یابی، غیررسمی و داوطلبانه».<sup>۱</sup> اگر نگوئیم هزاران، دست‌کم صدها نفر از اعضای کمیته‌های مردمی در مبارزه برای سرنگونی حسنی مبارک نیز شرکت داشتند.

برخی از کمیته‌های مردمی پس از سقوط مبارک منحل شدند و کم‌کم پلیس دوباره ظاهر شد. پایان حکومت مبارک، موجب کنترل شدیدتر دولت بر سازمان‌های جامعه‌ی مدنی شد و همچنین انحصار تقریبی احزاب اسلام‌گرا بر نهادهای سیاسی رسمی را به همراه داشت. با این وجود، بسیاری از کمیته‌های مردمی مستقل و فعال باقی



ماندند و اولین کنفرانس کشوری خود را در آوریل ۲۰۱۱ برگزار کردند.<sup>۲</sup> فعالان [کمیته‌ها] از خود به عنوان بخشی از یک جنبش اجتماعی یاد می‌کنند. نمونه‌ای که در مورد آن تحقیق کردم نشان می‌دهد که اعضا معمولاً بین ۱۸ تا ۳۵ سال سن دارند، هرچند افراد مسن اغلب اعضای افتخاری هستند. تقریباً ۳۰ درصد از اعضای این کمیته‌ها مسیحی هستند که از نسبت مسیحیان در کل جمعیت کشور بیشتر است، اما اکثریت غالب مرد هستند، در حالی که نسبت اعضای زن تنها ۲ درصد در مناطق روستایی تا ۲۰ درصد در شهرها است.

کمیته‌های مردمی امروزی به حامیان توسعه و اصلاح جامعه و همچنین به دیده‌بان‌های محله شهرت دارند. در مناطق خارج از محدوده‌ی شهرهای مصر، کمیته‌های مردمی به ارائه‌ی خدمات ضروری دولتی از قبیل گازکشی، برق‌رسانی و ساخت کلینیک‌های بهداشتی می‌پردازند. این مدل جدید از فعالیت‌های اجتماعی توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده است، تا جایی که در مقاله‌ای از کمیته‌های مردمی به عنوان «دمیدن روح واقعی دموکراسی به خیابان‌ها» تجلیل می‌شود.<sup>۳</sup> مطالبات برخی از کمیته‌های مردمی فراتر از کسب قدرت دولتی است و تحت عنوان «دفاع از انقلاب» فعالیت می‌کنند. این کمیته‌ها با اتخاذ موضع تقابلی، به دنبال افشای مقامات محلی فاسد و شناسایی پلیس‌های دارای سوابق نقض حقوق بشر هستند. آنها می‌کوشند مشکلات محلی را به منازعات کشوری مرتبط و همچنین از نامزدهای سیاسی با برنامه‌های انقلابی حمایت کنند. منطقه‌ی فقیرنشین «رملة بولاق» نمونه‌ای بارز است. رملة بولاق در کنار رود نیل، درست در شمال مرکز شهر قاهره قرار دارد. در ماه اوت رملة بولاق شاهد کشته شدن پسری محلی به ضرب گلوله بود که دستمزد خود به عنوان نگهبان موقت در برج‌های شیک ساحلی شهر نیل را مطالبه می‌کرد. سایر ساکنان با پلیس درگیر شدند و طی چند شبانه‌روز بعد، تعدادی خودسرانه دستگیر شده و در بازداشت مورد بدرفتاری قرار گرفتند. در ماه اکتبر، «کمیته‌ی مردمی رملة بولاق» راهپیمایی‌ای را با درخواست مجازات پلیس مسئول و همچنین لغو دستور دولت مبنی بر مصادره‌ی زمین‌های حلبی‌آباد ترتیب داد. این کمیته به دنبال قیمت‌گذاری واقعی برای سرمایه‌گذاران بالقوه [به منظور معامله‌ی زمین‌ها] بود.<sup>۴</sup> با این حال، هنگامی که این کمیته‌ها را از نزدیک مورد مطالعه قرار می‌دهیم، به چیزی شبیه یک تناقض برمی‌خوریم. آنها نه آنقدر که تصور می‌شود بنا بر معیارهای جهانی دموکراتیک هستند و نه در تجربه‌ی خود مصر بدیع. رابطه‌ی آنها با دولت نیز پرتنش است. این کمیته‌ها در حد فاصل ژانویه تا فوریه‌ی ۲۰۱۱ شکل

۲- Al-Ahram, April 22, 2011.

۳- Rana Khazbak, "Popular Committees Bring True Spirit of Democracy to the Streets," Egypt Independent, August 23, 2011

۴- Abulkasim al-Jaberi, "Ramlet Bulaq Slum Dwellers 'Break Out,'" Egypt Independent, October 22, 2012.

گرفتند، در جریان آنچه پژوهشگران انقلاب «لحظه‌های جنون» می‌نامند؛ لحظاتی که در آن سیاست در تمام جنبه‌های زندگی نفوذ می‌کند.<sup>۵</sup> این ضعف بزرگ دولت، یعنی ناتوانی آن در تضمین امنیت عمومی بود که باعث ایجاد کمیته‌ها شد. آنها متعاقباً مشروعیت خود را از این تصور [عمومی] که در تقابل با دولت هستند به دست آورده‌اند. با این حال، بسیاری از کمیته‌ها برای انجام وظایف معمول دولت در حوزه‌هایی که اختیارات مقامات ضعیف یا مورد مناقشه است، [با دولت] توافقی‌های همکاری منعقد کرده‌اند.

### بساتین

تجربه‌ی یک کمیته‌ی مردمی می‌تواند سیر تحول کمیته‌ها پس از قیام اولیه را روشن سازد. «بساتین» سکونتگاهی غیررسمی با تقریباً یک میلیون نفر جمعیت در تپه‌های جنوب شرقی مرکز قاهره است که از غرب با دارالسلام پرجمعیت و از جنوب با حومه‌ی معادی، که ساکنان آن از طبقه‌ی متوسط رو به بالا هستند، همسایه است. «بساتین» که از نظر تاریخی منطقه‌ی گورستان‌های یهودی بوده، در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ مهاجران روستایی را، به ویژه از استان دلتای مینوفیه، به خود جذب کرد. دو طایفه‌ی بزرگ، الجزائیر و گلش، بومی این منطقه هستند. مانند سایر بخش‌های قاهره، ساکنان بساتین از طبقات اجتماعی-اقتصادی مختلف هستند، از کارگران روزمزد گرفته تا صاحبان کارگاه‌های کوچک تا «طبقه‌ی متوسط فقیر»- افرادی که با وجود تحصیلات عالی، در حاشیه‌های اقتصاد نئولیبرالی گذران زندگی می‌کنند.<sup>۶</sup> این شهرک همچنین محل استقرار «شق الثبان»، یکی از بزرگترین معادن سنگ مرمر و گرانیت مصر است، که از سال ۲۰۰۰ میلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری مصری و خارجی را جذب کرده است.

به گفته‌ی بنیانگذاران کمیته‌ی مردمی بساتین، اکثریت داوطلبان «بریگاد نگهبان محله» ساکنان نسل دوم بودند که خانواده‌هایشان مشاغل محلی داشتند. آنها خودشان عموماً دارای حرفه‌ای تخصصی بودند -وکلا، مهندسان، دلالان املاک و پزشکان- اما نگرانی اولیه‌ی آنها به وضوح ایمنی کسب‌وکار خانوادگی و پایگاه مشتریانشان بود. یکی از اولین فعالیت‌های این کمیته، تظاهراتی بود که در پی افزایش خشونت در محله خواستار اصلاحاتی در حوزه‌ی امنیت بود. اندکی پس از کناره‌گیری مبارک، اهالی ساختمان شورای [حکومتی] محلی را به آتش کشیدند

۵- Sidney Tarrow, "Cycles of Collective Action: Between Moments of Madness and the Repertoire of Contention," *Social Science History* 17/2 (Summer 1993).

۶- Asef Bayat, "A New Arab Street in Post-Islamist Times," *Foreign Policy*, January 26, 2011

و در حمایت از راننده‌ی مینی‌بوسی که توسط افسر پلیسی در یک درگیری خیابانی در مجاورت معادی به ضرب گلوله کشته شده بود، تجمع کردند. این حادثه توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد زیرا ساکنان برای تلافی آن افسر پلیس را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند و خودروی وی را آتش زدند. در پی چنین حوادثی، کمیته‌ی بساتین تا حد قابل توجهی درگیر بهبود وجهه‌ی محله شده بود.

کمیته‌ی مردمی از همان اوایل گروهی را در فیس‌بوک به نام «جوانان روشنفکر بساتین» تأسیس کرد: «جوانان بساتین می‌توانند آنچه را که در این منطقه‌ی تاریخی دوست ندارند تغییر دهند. آیا ما دست به دست هم می‌دهیم تا بساتین را به زیباترین و موفق‌ترین قسمت قاهره تبدیل کنیم؟» این گروه تحت‌عنوان «به سوی بساتین بهتر»، در ماه‌های پس از برکناری مبارک، مجموعه‌ای از جلسات تبادل اندیشه و ایده ترتیب داد. این رویدادها ساکنان طبقه‌ی متوسط را جذب کرد، که می‌خواستند بساتین را «زیبا» کنند، یعنی خیابان‌ها را تمیز، آبنماها را تعمیر و ساختمان‌ها را نقاشی کنند. حامیان این پروژه‌ها از «نشان دادن بساتین به عنوان منطقه‌ای متمدن» و «اصلاح رفتار فردی به منظور بهبود شرایط زندگی در منطقه» صحبت می‌کردند. به‌طور بارزی دغدغه‌های فقرا در دستور کار گروه مطرح نبود، اگرچه کمیته گروه‌های آموزشی مستقل رایگانی برای دانشجویان برپا کرد. این کمیته از هیچ ابتکاری با هدف بهبود وضعیت مسکن، ایجاد شغل برای افرادی که پس از تعلیق کارگاه‌ها بیکار بودند، یا ارائه‌ی خدمات اولیه به ساکنان محروم، حمایت مالی نکرد.

گروه بساتین به تدریج توجه خود را به سیاست معطوف کرد. این سازمان همایش‌هایی را به منظور افزایش آگاهی جوانان در مورد موضوعات اصلاحات قانون اساسی در همه‌پرسی مارس ۲۰۱۱، نقش در حال تحول کمیته‌های مردمی و اهمیت شهروندی «فعال» ترتیب داد. در شرح وظیفه‌ی کمیته تجدیدنظر شد تا کمیته این‌گونه توصیف شود: «مجموعه‌ای برای بررسی چگونگی اظهارنظر جوانان در انتخاب مقامات محلی و اعضای پارلمان». چند نفر از بنیانگذاران کمیته در انتخابات پارلمانی زمستان ۲۰۱۱ به عنوان کاندیدای مستقل شرکت کردند. اگرچه هیچ‌یک از آنها پیروز نشدند، اما به این ترتیب نسل جدیدی از فعالان درگیر سیاست شدند. در نهایت، یکی از بنیانگذاران به عنوان نماینده‌ی «جوانان» در مجلس مؤسسان، که مسئول تهیه‌ی پیش‌نویس قانون اساسی جدید مصر بود، انتخاب شد.

### تلاقی کمیته‌ها با دولت

همان‌طور که نمونه‌ی بساتین نشان می‌دهد، هرچند کمیته‌های مردمی متشکل از اعضای محلی هستند، اما همیشه

به روی همه‌ی افشار گشوده نیستند. مطالعه‌ی من در واقع نشان داد که گسترش کمیته‌ها در سراسر حومه‌ی مصر فرآیندی از بالا به پایین بود که برای «حفظ صلح اجتماعی [بین دولت و مردم]» طراحی شده بود.<sup>۷</sup> در روستاها، اعضای کمیته‌ها غالباً داوطلب یا حتی جوانان نبودند، بلکه مردانی بودند که توسط خاندان‌های بزرگ از روی «شخصیت موجه» و موقعیت اجتماعی‌شان انتخاب می‌شدند. در نتیجه، کمیته‌های روستایی فقرا را کنار گذاشتند، سلسله‌مراتب طایفه‌ای را تقویت کردند و در بسیاری از موارد از [ورود] اعضای حزب دموکراتیک ملی مبارک استقبال کردند. مانند نمونه‌ی بساتین، اکثر کمیته‌های مردمی داوطلبان را تشویق می‌کردند که نگرانی‌های طبقه‌ی متوسط را مدنظر قرار دهند. از این جهات، فعالیت کمیته‌ها به‌طور بارزی در امتداد فعالیت‌های اسلام‌گرایانه‌ای بوده که از دهه‌ی ۱۹۷۰ در مصر به صورت قارچ‌گونه رشد کرده است. ان‌جی‌اوهای اسلام‌گرا عمدتاً متشکل از «افراد متخصص تحصیل‌کرده‌ی طبقه‌ی متوسط» هستند و خدمات آنها عمدتاً برای افراد فقیر نیست، زیرا در ازای خدمات هزینه‌هایی را دریافت می‌کنند.<sup>۸</sup>

علاوه بر این، برخلاف ابتکارات مردمی در سایر نقاط جهان، کمیته‌های مردمی مصر تمایلی به گسترش تصمیم‌گیری مشارکتی یا ایجاد سازوکارهایی برای پاسخگویی به اجتماعاتی که برای خدمت به آنها ایجاد شده بودند، نداشتند. بنیانگذاران بارها چنین ساختارهای داخلی‌ای را با این بهانه که آنها «اولویت کمتری نسبت به رفع نیازهای محلی» دارند، رد کردند. آنها به جای دریافت حق عضویت، بر کمک‌های خیریه‌ای پراکنده تکیه کردند. در نبود هیئت‌مدیره‌ی انتخابی و عدم پاسخگویی، کمیته‌های مردمی کاستی‌های دیرینه‌ی ان‌جی‌اوهای توسعه‌محور در مصر را بازتولید کردند. در نهایت، سه کمیته از چهار کمیته‌ی مورد مطالعه‌ی من تحت سلطه‌ی یک یا دو عضو فعال قرار گرفتند.

فقدان دموکراسی داخلی کمیته‌ها را به اشکال مختلفی تضعیف کرده است. تحقیقات در مورد ابتکارات جامعه‌محور نشان می‌دهد که «روش‌های غیررسمی کنترل و مدیریت، اعتبار رهبران به عنوان نمایندگان» فقرا را کاهش می‌دهد.<sup>۹</sup> و توسعه‌ی نهادمحور [و نه مردم‌محور] اندک کمیته‌ها مانع از پایداری آنها در میانه‌ی خشونت‌های مکرر مصر پس از انقلاب شده است. در میان ۱۲ هزار بازداشتی‌ای که پس از قیام با دادگاه‌های نظامی روبرو شدند،

Interview, Qina, June 29, 2012. -۷

Janine Clark, "Social Movement Theory and Patron-Clientelism: Islamic Social Institutions and the Middle Class in Egypt, Jordan and Yemen," *Comparative Political Studies* 37 (October 2004), p. 947

Martha Chen et al, "Membership-Based Organizations of the Poor: Concepts, Experience and Policy," in -۹ Martha Chen, Renana Jhabvala, Ravi Kanbur and Carol Richards, eds., *Membership-Based Organizations of the Poor* (London: Routledge, 2007), p. 15

چندین بنیانگذار کمیته‌ی مردمی نیز حضور داشتند و گاهی امکان‌پذیر نبود که کسی جایگزین آنها [در کمیته] شود. در «هلیوپولیس»، پس از این‌که یک فعال اصلی در درگیری‌های خیابان محمد محمود در آستانه‌ی انتخابات پارلمانی ۲۰۱۱ جان خود را از دست داد، یک کمیته‌ی مردمی کاملاً از بین رفت.

دولت با علم به اینکه بسیاری از مصری‌ها کمیته‌های مردمی را نمادی از قیام می‌دانستند و به دنبال مشروعیتی بود که می‌توانست از طریق کمیته‌ها به دست آورد، دو تلاش ناموفق انجام داد تا آن کمیته‌هایی را که باقی مانده بودند، [با دولت] همراه کند. ابتدا، شورای عالی نیروهای مسلح (SCAF) برنامه‌هایی را به منظور صدور مجوز برای فعالیت کمیته‌های مردمی و همچنین کارت شناسایی برای افراد فعال طرح و شورایی ملی را برای «نماینده‌گی» کمیته‌ها تعیین کرد. با این‌حال، اکثر کمیته‌ها از همکاری با این اقدامات شورای عالی نیروهای مسلح خودداری کردند. سپس وزارت توسعه‌ی محلی ایده‌ی تخصیص یک‌سوم کرسی‌های شوراهای محلی خود را (که اکنون منحل شده) به فعالان کمیته‌های مردمی طرح نمود. این پیشنهاد نیز زمانی که توسط کارشناسان حقوقی خلاف قانون اساسی تشخیص داده شد، با شکست مواجه گشت.

[با این‌وجود سرانجام] کمیته‌ها از سومین مجرای که دولت باز کرده بود، عبور کردند. خلاء امنیتی پس از سقوط مبارک برنامه‌ی ازقبل‌ناکافی دولت برای توزیع کپسول گاز مایع پخت‌وپز (LPG) را ناکارآمدتر کرد. کپسول‌ها به‌صورت عمده به سرقت می‌رفتند، به‌ویژه در استان‌هایی مانند جیزه، که مراکز توزیع رسمی کمی دارند و برای تحویل کپسول به خانه‌ها به افراد متکی هستند. خانه‌های بدون گاز لوله‌کشی در مصر به‌طور متوسط ۲۵ کپسول در سال با قیمت یارانه‌ای سنگین ۲٫۵ پوند مصری (حدود ۴۰ سنت) برای هر کپسول مصرف می‌کنند. (هزینه‌ی واقعی هر تانک ۷۰ پوند است. تخمین زده می‌شود که این یارانه در مجموع ۲۱ میلیارد پوند یا ۳٫۴ میلیارد دلار باشد که معادل ۴ درصد هزینه‌های دولتی در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ است.) در دسامبر ۲۰۱۱، گودا عبدالخالق، فردی مترقی با سابقه‌ی طولانی در حزب چپ‌گرای «تگامو»،<sup>۱۰</sup> سکان هدایت وزارت تأمین را، که بر توزیع گاز مایع نظارت دارد، به دست گرفت. او توضیح داد: «این جنبش [کمیته‌ها] نتیجه‌ی طبیعی انقلاب ۲۵ ژانویه است و من از فرصت استفاده کرده و با آن همکاری کردم».<sup>۱۱</sup> در نتیجه یک ائتلاف سست از کمیته‌های مردمی قرارداد سه ساله‌ای را با وزارت تأمین امضا کردند که به موجب آن فعالان محلی برای تحویل کپسول‌های بوتان به خانه‌ها،

۱۰- حزب اتحاد ملی مترقی (تگامو) حزبی است متشکل از ناصریست‌های چپ و برخی عناصر مارکسیست که خود را مدافع «انقلاب ۱۹۵۲» مصر (کودتایی که منجر به روی کار آمدن جمال عبدالناصر شد) و دستاوردهای آن «انقلاب» برای کارگران، تهی‌دستان و سایر گروه‌های کم‌درآمد می‌داند. (م)

۱۱- Interview with Gouda 'Abd al-Khaliq, Cairo, July 30, 2012.



استخدام می‌شدند. اما این قرارداد همچنین به کمیته‌ها مأموریت گسترده‌تری برای همکاری با مقامات در ارائه‌ی کلاس‌های سوادآموزی، آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و مدیریتی، ترویج تساهل مذهبی، پاکسازی میادین و حمایت از خانواده‌های زندانیان داد.

### فرایند گسترش

مقامات دولتی از شبکه‌ی کمیته‌های مردمی‌ای که قرارداد را امضا کرده بودند، درخواست کردند که خود را به یک ان‌جی‌اوی ثبت‌شده تبدیل کنند. حمدی الفقی (از فعالان کمیته‌ها) می‌گوید: «ما نیاز داشتیم موجودیتی مشروع بسازیم». بنابراین آنها یک ان‌جی‌او به نام «بنیاد زندگی مصر برای توسعه» تاسیس کردند.<sup>۱۲</sup> به‌عنوان بخشی از قرارداد، کمیته‌های مردمی‌ای که عضو این ان‌جی‌او شدند، در ساختمان‌های متعلق به وزارت بیمه‌وامور اجتماعی، مستقر شده و در زیرکمیته‌هایی با تمرکز بر چهار حوزه، مجدداً سازماندهی شدند: توسعه‌ی انسانی، اجتماعی، اقتصادی، و همچنین امنیت. کمیته‌های مردمی از این پس شاخصه‌های افقی خود را از دست دادند و به ساختاری عمودی تبدیل شدند. آن‌ها همچنین خودتعیینی‌شان را از دست دادند و در واقع مانند سایر ان‌جی‌اوها یا ان‌جی‌اوهای دولت‌ساخته‌ی<sup>۱۳</sup> تحت کنترل دولت، به بخشی از دولت تبدیل شدند. بر طبق ماده قانونی ۸۸ مصوب سال ۲۰۰۲، این انجمن‌ها وابسته به کمک‌های مالی محدود دولتی هستند و فعالیت‌های آن‌ها به‌طور قابل توجهی تحت نظارت سختگیرانه‌ی دولت قرار دارد.

با تاسیس بنیاد زندگی مصر برای توسعه، تعداد اعضای کمیته‌های مردمی وابسته به این شبکه در سه استانی که در مطالعه‌ی من بررسی شدند از ۲۱،۰۰۰ نفر به ۳۰،۰۰۰ نفر افزایش یافت. از منظر توسعه‌ی اجتماعی، افزایش تعداد اعضا احتمالاً نمایانگر گسترش مشهود روحیه‌ی داوطلبی به شمار می‌رفت، اما همچنین فرصتی برای سوءاستفاده از قرارداد و فروش کپسول‌های گاز مایع با قیمت تمام‌شده در بازار سیاه نیز بود. هیچ تخمین قابل اعتمادی از میزان قاچاق وجود ندارد، اما روزنامه‌ی «المصری الیوم» گزارش داد که تنها در یک عملیات تقریباً ۳۷۰۰ مخزن بوتان قبل از اینکه در بازار سیاه به فروش برسند، توسط پلیس توقیف شدند.<sup>۱۴</sup> مطالعاتی درباره‌ی سیستم یارانه در مصر نشان می‌دهند که اغلب کپسول‌ها به‌طور کامل پر نمی‌شوند.

Interview, Cairo, June 24, 2012. -۱۲

GONGO -۱۳

Al-Misri al-Yawm, February 7, 2012. -۱۴

تشکیل این بنیاد باعث تغییر مسیر قابل توجهی در اهداف اولیه‌ی شکل‌گیری کمیته‌های مردمی شد. در ابتدا، این کمیته‌ها درباره توانمندسازی جوانان و نقش فعال شهروندی صحبت می‌کردند. همان‌طور که یکی از فعالان [کمیته‌ها] می‌گوید: «مفهوم قدیمی شهروندی این بود که باید با دیگران «خوب» باشیم و در قبال سالمندان وظیفه‌شناس. به نسل جوان به عنوان کسانی که قادر به رهبری مصر باشند، نگاه نمی‌شد. بعد از قیام، ما جوانان آنقدر عشق به کشور، احساس مسئولیت و اعتماد به نفس قوی‌ای داشتیم، که منجر به انگیزه‌ای قدرتمند در ما برای فعالیت‌های داوطلبانه به عنوان شهروند می‌شد.»<sup>۱۵</sup> با توجه به تاکید بنیاد بر «توسعه»، فعالان کمیته‌ها حالا اهداف خود را با عبارت «تامین نیازهای مردم» تعریف می‌کنند - که در ادبیات اداری به معنای کاهش دسترسی افرادی که فقیر نیستند به کالاهای یارانه‌ای تعریف می‌شود. این نه یک پروژه‌ی توانمندسازی، که یک پروژه‌ی خیریه‌ای است. وقتی از فعالان کمیته‌ها درباره‌ی این سوال می‌شود که آیا اقداماتشان نگرش‌های جدید به شهروندی را در بین مردم تقویت می‌کند، همه به‌طور یکسان پاسخ می‌دهند که مردم «از ما سپاس‌گزارند که به مشکلات آنها آگاه هستیم».

بازآفرینی کمیته‌های مردمی به عنوان یک ان‌جی‌او، در نهایت، تاثیرگذاری آنها را محدود کرده است. در دوران پس از مبارک، تحت سلطه‌ی حکومت اقتدارگرایی ضعیف، بسیاری از فرمانداران استانی در مقابل قرارداد وزارت تأمین با کمیته‌ها مقاومت کردند، زیرا آن را دست‌اندازی به حوزه‌ی اختیاراتشان می‌دیدند. در عمل، تنها سه استان قاهره، الجیزه و سوهاج، به «بنیاد زندگی مصر برای توسعه» اجازه‌ی فعالیت عملی دادند. با نزدیک شدن انتخابات مجلس سال ۲۰۱۱، بنیاد در رقابت با ان‌جی‌اوهای اسلامی‌ای قرار گرفت که منابع مالی قوی‌تر و همچنین نامزدهای ثروتمند مرتبط با «حزب آزادی و عدالت» اخوان‌المسلمین (FJP) داشتند. «انصار السنة»، دومین ان‌جی‌او بزرگ سلفی در مصر، با حمایت مالی تخمینی ۲۹۶ میلیون پوند از کشورهای خلیج، در توزیع کپسول‌های گاز مایع سوپسیداری فعال بود، که در بعضی موارد به صورت غیرقانونی از مراکز رسمی خریداری شده بودند. در برخی موارد، این کپسول‌ها به‌صورت عمده و نقدی خریداری می‌شدند و در موارد دیگر، مدیران مراکز فروش در قبال اعطای مجوز به انصار السنة امتیازاتی دریافت می‌کردند، به‌طور مثال نمایندگان مجلس به مدیران اجازه می‌دادند برای سود شخصی خود ۱۰۰ کپسول را به قیمت‌های بالاتر در بازار سیاه به فروش برسانند. این گروه سلفی همچنین اطلاعاتی از نیازمندان جمع‌آوری کرده و فرم‌هایی با لوگوی وزارت را پخش کردند، که در آن افرادی که دریافت‌کننده‌ی کپسول‌ها بودند، تعداد اعضای خانواده، درآمد سالانه و شماره شناسایی ملی

خود را ثبت می‌کردند (فرم‌ها جعلی بودند و وزارت تامین علیه آن‌ها شکایتی نیز تنظیم کرد؛ این که سلفی‌ها لوگو را از کجا به دست آوردند، هنوز معلوم نیست.) این عملیات به‌طور واضح دست‌اندازی به عملکرد سنتی دولت بود. در طول زمستان سرد سال ۲۰۱۱، در شرایط کمبود شدید گاز، نامزدهای «حزب آزادی و عدالت» هم‌چنان به توزیع کپسول گاز مایع (که از همان روش‌های غیرقانونی تهیه شده بود) از طریق مساجد محلات پرداختند و به این ترتیب، تعداد داوطلب خیلی بیشتری را نسبت به کمیته‌های مردمی سازماندهی کردند و از مزایای شبکه‌های حمایتی موجود در میان فقرا بهره بردند. پیرو پیروزی‌های انتخاباتی حزب آزادی و عدالت و حزب سلفی نور، نقش کمیته‌های مردمی کاهش بیشتری یافت. طبق گفته‌ی «عبدالخالق»، که در آن زمان هنوز وزیر تأمین بود، نمایندگان مجلس اغلب به نقاط توزیع محلی دستور می‌دادند که با کمیته‌های مردمی همکاری نکنند، و به این ترتیب تفویض وزارتی به آنها را نادیده می‌گرفتند.<sup>۱۶</sup>

### مجموعه‌ی اثرات و پیامدها

تحول کمیته‌های مردمی در مصر تاکنون نه تنها روند تغییر متفاوتشان را، بلکه محو شدن مرزهای بین دولت و جامعه‌ی مدنی در حین گذار سیاسی را برجسته می‌کند. شاید مهمترین درسی که از این تحول می‌توان گرفت این است که دولت باید به عنوان مجموعه‌ای از اندرکنش نیروهای تاثیرگذار بر هم و پیامدهایشان نگریسته شود نه به عنوان موجودیتی ایستا.

پس از مبارک، دولت مصر همیشه قادر به کنترل مرزهای خود یا اعمال انحصار در استفاده از زور نبود. بنابراین حاکمیتش به چالش کشیده شد و دولت مشتاق یافتن منابع مشروعیت بود؛ یکی از این [منابع] کمیته‌های مردمی‌ای بودند که همبستگی و مشارکت فعال قیام ۱۸ روزه را برانگیختند. همزمان با این که شورای عالی نیروهای مسلح (SCAF) مشغول سرکوب اعتصابات بود، به دنبال همکاری با کمیته‌های مردمی برای ایجاد یک «اثر انزوا»<sup>۱۷</sup> بود که به موجب آن تضادهای اجتماعی-اقتصادی به حاشیه رفته و «تک-شهروندان در یک حوزه‌ی عمومی نامتمایز برابر به نظر برسند»<sup>۱۸</sup>. دولت در نهایت موفق شد برخی از کمیته‌های مردمی را با وجود اعتراض سیاستمداران اسلام‌گرا و ان‌جی‌اوها به خدمت بگیرد. با ریشه دواندن اخوی‌سازی موسسات رسمی،

۱۶- Interview with 'Abd al-Khaliq, Cairo, July 30, 2012.

۱۷- اصطلاحی در روانشناسی که مطابق آن اگر از میان چند مورد مشابه، یکی از آنها به نحوی برجسته و متمایز به نظر برسد بیش از دیگر موارد در ذهن باقی می‌ماند. (م)

۱۸- Michel-Rolph Trouillot, "The Anthropology of the State in the Age of Globalization," *Current Anthropology* 42/1 (February 2001), p. 131

انجی‌اوه‌ای اسلامگرا به تدریج حتی بر «اثر خوانایی»<sup>۱۹</sup> یا اقداماتی جهت ساده‌سازی کارکردهای سنتی دولت مانند مالیات‌بندی، سربازگیری و پیشگیری از شورش سیطره یافتند.<sup>۲۰</sup> ممکن است با ادامه‌ی روند گذار سیاسی مصر، کمیته‌های مردمی و دیگر عوامل غیردولتی نقشی را ایفا کنند که باید بازی کنند: مقاومت در برابر بازگشت اصلاحات به عقب یا اقبال عمومی به اقتدارگرایی. با این حال، درک دولت به عنوان مجموعه‌ای از اعمال یا اثرات، به جای نهادهای ایستا، نقش عاملین غیردولتی در مبارزات جاری برای رسیدن به قدرت تثبیت‌شده در دوران پس از مبارک را برجسته می‌کند.

منبع:

پروژه‌ی تحقیقات و مطالعات خاورمیانه (زمستان ۲۰۱۲)

آبان ۱۴۰۲ | نسخه‌ی ورد

۱۹- اصطلاحی در مردم‌شناسی به معنای ساده کردن، شفاف کردن و قابل فهم کردن امورات سیاسی و اجتماعی (م)

۲۰- James Scott, *Seeing Like a State* (New Haven, CT: Yale University Press, 1998)

منڙپوڻ  
Manjanigh

